نقش شبه روشنفکران در تاریخ معاصر ایران

شماره ۱۶

تأمین سرباز جنگ نرم علیه نظام با بورس دولتی!

عباس عبدی، هاشم آغاجری، علیرضا علوی‌تبار، مجید محمدی، مصطفی تاج‌زاده، بهزاد نبوی و محسن سازگارا از جمله افرادی بودند که زیرنظر موسوی خوئینی‌ها و در مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست‌جمهوری، بستر پروژه توسعه سیاسی دولت خاتمی را فراهم کردند.

حجت‌الاسلام شجونی، عضو جامعه روحانیت مبارز هم در بخشی از خاطرات خود و مصاحبه با شبکه خبر ایران[1] سابقه خوئینی‌ها را این طور معرفی می‌کند: «گودرزی بعد از آنکه از طرف علمای محترم و شناخته شده و حوزه‌های علمیه مهم تهران طرد شد، به سراغ آقای موسوی خوئینی‌ها در مسجد جوزستان رفت و او هم گودرزی را پذیرفت و این هم امر غیرمنتظره‌ای نبود. آقای خوئینی‌ها قبل از انقلاب در آن مسجد در مقام تفسیر قرآن حرف‌های عجیب و غریبی می‌زد که من اسم آن را گذاشته بودم قرآن‌شناسی آسان! این آقای موسوی خوئینی‌ها هم به گفتن تفاسیر مارکسیستی معروف بود.

آقای مطهری چند باری به او هشدار داده بودند ولی او کار خودش را می‌کرد. مدتی در آن مسجد این حرفها را زد و عده‌ای جوان ناآگاه هم دور و برش را گرفتند و تصور می‌کرد که بازارش همیشه گرم می‌ماند. گودرزی به مسجد جوزستان رفت و آقای موسوی خوئینی‌ها هم او را به مسجد خمسه فرستاد. مسجد خمسه در اواسط خیابان سراب در خیابان دولت- یخچال- واقع شده است.

موسوی خوئینی‌ها از کسانی بود که قبل از انقلاب به این ذهنیت دامن می‌زد که هر نوع فعالیتی در دستگاه‌های دولتی و شبه‌دولتی کمک کردن به رژیم است و حال آنکه توجه نمی‌کرد که بعضی‌ها از همین کارهای شبه‌دولتی توانستند به‌اندازه دهها سال تأثیر کار او داشته باشند و بلکه بسیار بیشتر.

علنا می‌گفت آقای مطهری و آقای مفتح که تدریس در دانشگاه را پذیرفته‌اند با حکومت سازش کرده‌اند و تبدیل به ترمز انقلاب شده‌اند! او همین حکم را هم درباره آقای بهشتی و آقای باهنر می‌داد که به آموزش و پرورش رفته بودند و کتاب‌های درسی را تدوین می‌کردند. می‌گفت که اینها همکار فرّخ‌رو پارسا [وزیر وقت آموزش و پرورش] شده‌اند و حال آنکه اگر قرار به انقلابی‌گری و منبرهای داغ رفتن و بعد هم زندانی شدن باشد من که از بسیاری از اینها جلوتر بودم ولی هیچ‌وقت از این فکرها نمی‌کردم. من ۲۵ بار زندان رفته و شلاق‌هایی خورده‌ام که اگر به دیوار می‌زدند خراب می‌شد، منتهی کار امثال بنده روبنایی بود. یعنی اگر یک پروژه ساخت و ساز خانه را در نظر بگیرید کار ماها حکم دکوراسیون خانه را داشت و کارهای زیربنایی و پی‌ریزی و اسکلت‌بندی را امثال آقای مطهری انجام می دادند.

یک شیخ محترمی به نام آقای قاسمی نقل می‌کرد من یک شب در مسجد جوزستان کنار آقای کروبی نشسته بودم و آقای موسوی خوئینی‌ها هم روی منبر بود. اکبر گودرزی و محمود کشانی نشسته و محو حرف‌های آقای خوئینی‌ها شده بودند. این آقا رفته بود بالای منبر و آیه شریفه «ویصدّون عن سبیل الله» را کنایتا و گاهی تصریحا بر آقایان مطهری و مفتح و بهشتی تطبیق می‌داد و می‌گفت: اینها ترمز انقلاب و سازشکارند و با دستگاه روی هم ریخته‌اند! من که دیدم گودرزی و کشانی مات و مبهوت حرف‌های خوئینی‌ها هستند به کروبی گفتم: بابا، اگر فردا انقلاب پیروز بشود اینها با اوّلین اسلحه‌ای که به دستشان بیفتد می‌روند و اینها را می‌کشند. کروبی را که می‌دانید هم احساساتی است هم عصبی، دستش را بلند کرد و زد روی پای من و گفت: نه بابا! این‌جوری نیست. ولی بعدها دیدیم که اتفاقا این‌جوری شد! همین محمود کشانی از کسانی بود که آقای مفتح را در دانشگاه الهیات به گلوله بست. این مسئله که فکر را چه‌کسی توی کله یک مشت بی‌سواد کرده بود، باید ریشه‌یابی کرد. بعد از سی سال که از انقلاب می‌گذرد باید معلوم شود محرکین اینها چه‌کسانی بودند که این‌قدر به خود جسارت دادند که چنین شخصیت‌هایی را بکشند.

صریح بگویم آقای مطهری معتقد بود که او مارکسیست شده است! آقای مطهری اعتقاد افراد را از روی ظاهر و لباسشان نمی‌سنجید بلکه محتوای حرف و فکر آنها را بررسی می‌کرد. ایشان می‌فرمود این نوع تفاسیر، تفاسیر مارکسیست‌هاست، حالا بر زبان هرکسی که می‌خواهد جاری شده باشد. از آیت‌الله آقارضی شیرازی بپرسید. ایشان تعریف می‌کرد که وقتی آیت‌الله انواری از زندان آزاد شدند با آقای مطهری به دیدن ایشان رفتیم. وقتی به منزل ایشان وارد شدیم، دیدیم موسوی خوئینی‌ها هم آنجا نشسته. او چون با آقای مطهری بد بود تا چشمش به ایشان افتاد بلند شد و رفت بیرون! آقای مطهری با حالت عصبانیت و تحکّم از آقای انواری پرسیده بود: او را می‌شناسید؟ آقای انواری جواب داده بود: بله، این آقای خوئینی‌هاست. آقای مطهری می‌گوید: خبر دارید مارکسیست شده؟ آقای مطهری واقعا درباره آقای موسوی خوئینی‌ها همین‌طور فکر می‌کرد و بخشی از هشدارهایی هم که در مقدمه کتاب گرایش به مادّیگری داد درباره همین آدم و اطرافیانش بود».[2]

مواضع خوئینی‌ها در انفجار نخست‌وزیری و شهادت شهیدان رجایی و باهنر و به‌خصوص بعد از رحلت امام خمینی(ره) درخصوص رهبری انقلاب اسلامی، ولایت فقیه، فتنه سال‌های ۱۳۷۸ و ۱۳۸۸ و بعد از آن، خود حکایت طولانی است که ورود به آن در حیطه این بحث نیست.[3]

بیشترین فضا بعد از رحلت امام خمینی(ره) برای خوئینی‌ها و نشر افکار او، توسط حجت‌الاسلام‌هاشمی رفسنجانی فراهم شد. آن گاه که او را به ریاست مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری منصوب نمود. خوئینی‌ها از سال ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۲ مسئول این مرکز بود. اغلب شاگردان وی و همفکران و همکاران خاتمی در کیهان و کیهان فرهنگی و نیز وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، در این مرکز جمع شدند تا به مباحث تئوریکی بپردازند که در آینده می‌بایستی بر مبنای آن، انقلاب اسلامی و رهبریت ولیّ‌فقیه را به چالش بکشند!

عباس عبدی از شاگردان مسجد جوزستان،هاشم آغاجری، علیرضا علوی‌تبار، مجید محمدی، مصطفی تاج‌زاده، بهزاد نبوی، محسن سازگارا، امین‌زاده، آرمین و... از جمله این افراد بودند که عموما طیف چپ محسوب می‌شدند. پروژه توسعه سیاسی دولت خاتمی در این مرکز بررسی می‌شد. از جمله کارهای خوئینی‌ها در این مرکز، اعزام بیش از پانصد نفر از نیروهای همسوی خود با «بورس دولتی» به کشورهای اروپایی و آمریکا بود تا نیروهای مورد نیاز در پروژه را تأمین کند.

همفکری و همکاری و مجالست طولانی خاتمی با چنین فردی و نیز شاگردان او، تأثیر وسیعی در اندیشه‌ها و رفتار خاتمی داشت. خوئینی‌ها که به «عالیجناب سایه» شهرت یافته، کمتر در مسئولیت‌ها ظاهر می‌شود و در پشت پرده، کارهای خود را پیش می‌برد. در احزاب مجمع روحانیون مبارز و مشارکت ایران اسلامی بیشترین تأثیر را داشته است. خاتمی در تصمیم‌گیری‌های مجمع روحانیون مبارز حتی در انشعاب آن از جامعه روحانیت مبارز و سایر مواضع و بیانیه‌ها، با خوئینی‌ها مشارکت و همفکری نموده است.

شهید محمد مفتح، دقایقی بعد از ترور به دست محمود کشانی- تروریست‌هایی همچون اکبر گودرزی و کشانی طبق آموزه‌های مارکسیستی خوئینی‌ها معتقد بودند که شهیدان مطهری و مفتح سازشکارانی هستند که از سوی رژیم پهلوی به عنوان ترمز انقلاب استفاده می‌شوند!

پانوشت‌ها

۱- مورخ ۱۳۸۹/۱۲/۵ به نقل از اطلاعات روز ۱۳۹۵/۳/۴

۲- همان

۳- برای اطلاع از عملکرد خوئینی‌ها به کتاب «انقلاب اسلامی در بوته آزمون» صص ۴۲۲ - ۴۵۶ مراجعه نمایید.

ده گفتار از رهبرمعظم انقلاب در تحلیل مبارزات سیاسی امامان معصوم(ع):

شماره ۱۴

نقش رهبری ائمه(ع) نیازی به تأیید مردم ندارد

البتّه هرچه از آغاز دوره امامت به پایان دوره امامت نزدیک می‌شویم، این عامل ضعیف‌تر می‌شود. از آغاز دوره امامت هرچه به طرف پایانش می‌رویم، مخصوصا وقتی که می‌رسیم به امام نهم و امام دهم و امام یازدهم، این موجب اوّلیِ برای امامت، یعنی تفسیر مکتب و تشریح مکتب، ضعیف‌تر می‌شود و آن موجب دوّم _ که هنوز نگفته‌ام و عرض خواهم کرد _ تقویت می‌شود و این باز به اقتضای احتیاج و نیاز زمان است.

پس وقتی که جامعه اسلامی پیغمبر خود را از دست داد _ به تعبیر قرآن وقتی که «مُنذر»، یعنی پدیدآورنده انقلاب را از دست داد_ احتیاج دارد به یک سلسله محکمی که لااقل تا یک زمانی ادامه پیدا کند و در این دوران، مکتبی که به وسیله‌ی منذر و پیغمبر آمده است، تکمیل شود، تشریح شود، تفسیر شود، به همگان تفهیم شود و نسبت به مباحث و مصادیق و نیازهایی که در اجتماع هست، منطبق شود و پخته شود.

دوّم این است که این جامعه، رهبر می‌خواهد. امیرالمؤمنین(ع) در یکی از کلماتش میفرماید: «لابدّ للنّاس من امیر»[1]؛ هر جامعه‌ای احتیاج دارد به یک رهبر؛ و این جزء تز ما است، جزء طرز فکر ما است. ما معتقد نیستیم که روزگاری خواهد رسید که اجتماعات بدون حکومت اداره شوند؛ نخیر، «لابدّ للنّاس من امیر»؛ ناگزیر مردم باید رهبر داشته باشند.

امیرالمؤمنین(ع) می‌فرمایند: «لابدّ للنّاس من امیر»، یعنی هر جامعه‌ای احتیاج دارد به یک رهبر و این جزء اصول فکری تشیع است. این طرز فکر که روزگاری خواهد رسید که اجتماعات بدون حکومت اداره شوند، با منطق امامت منطبق نیست.

بعد از اینکه پیغمبر(ص) از دنیا رفت، در رأس جامعه اسلامی لازم است یک نفری باشد که آن حرکت را، آن سیر را، آن تلاشی را که پیغمبر(ص) می‌کرد برای پیشبرد این جامعه و رسانیدن آن به تعالی و تکاملی که منظور او هست، ادامه دهد؛ لازم است یک نفری باشد که مثل خود پیغمبر و دستی به نیرومندی دست پیغمبر(ص)، زمام اجتماع را بگیرد و به آن راهی که میخواهد، هدایت کند.

وجود این افراد، با آزادی جامعه اسلامی هم منافات ندارد. اگر مختصر دقّتی بکنیم، روشن می‌شود که هیچ منافاتی ندارد.

البته هدایت می‌کند جامعه را، پیش می‌راند جامعه را، وسایل پیشرفت و پیشبرد جامعه را برایش فراهم می‌کند. اجتماع، یک رهبر سیاسی لازم دارد غیر از رهبر فکری که تفسیر و تبیین مکتب می‌کند. اینکه این رهبر سیاسی چگونه آدمی باید باشد، آیا لازم است اعدل باشد، آیا لازم است اعلم باشد یا چه، این یک بحث کلامی و فرقه‌ای است و ما در این بحث‌ها هیچ وارد نمی‌شویم و بحث نمی‌کنیم و وقت محدود خودمان را صرف این حرف‌ها نمی‌کنیم؛ این بحث‌ها وقت دیگری می‌خواهد.

ضرورت تلاش امام برای بازپس‌گیری منصب رهبری

علاوه‌بر وظیفه تفسیری و تبیینی ائمه(ع)، باید به لزوم رهبری سیاسی به عنوان دومین وظیفه ایشان تاکید کرد. رهبری سیاسی و تشکیل حکومت در تفکر شیعی که امروزه به ولایت فقیه ختم شده است، از مواردی است که حذف آن از منظومه فکری شیعی امکان‌پذیر نیست.

خب، حالا اگر نگذاشتند این رهبر سیاسی رهبری کند، امّا او واقعا رهبر است. اگر حاکمی معزول شد، آیا این حاکم معزول می‌تواند به خودش بگوید ما تفسیر و تبیین مکتب را ادامه می‌دهیم و حالا که نتوانستیم حکومت کنیم، دیگران جامعه را اداره کنند؟ با بزرگواری و شرح صدر، خودش را از این قضیّه معاف کند؟ می‌تواند چنین کاری بکند یا نمی‌تواند؟ یا شقّ سوّمی وجود دارد؟ می‌تواند، در صورتی که مصلحت بزرگ‌تری را در نظر داشته باشد؛ و نمی‌تواند، در صورتی که این مصلحت، مورد نظر نباشد.

ما معتقدیم که نمی‌تواند. ما معتقدیم آن کسی که از طرف پیغمبر(ص) به حکومت برگزیده و منصوب شد و جهاتی که برای حکومت لازم است، پیغمبر در او دید و او را به این منصب گماشت و زمام جامعه اسلامی را در مشت او قرارداد و به مردم هم او را معرّفی کرد و توصیه او را هم کرد و گفت باید از او اطاعت کنید، او اگر یک وقتی از حقّ خودش دور افتاد، ناچار باید تلاش کند که به حقّ خودش برسد؛ برای خاطر اینکه این حق، یک حقّی نبوده که بخواهند تعارفی به او بدهند.

یک وقت هست که یک گلابی را بنده خدمت شما تقدیم می‌کنم و می‌گویم آقا خواهش می‌کنم این را میل کنید؛ شما هم تعارف می‌کنید که نخیر، میل ندارم. یک وقت هم هست که خدای نکرده مریض هستید و به شما می‌گویند دارو میل کنید. در اینجا معنی ندارد که شما بگویید نخیر، میل ندارم دارو بخورم. در پاسخ شما می‌گویند بی‌خود میل ندارید. اوّل با زبان خوش؛ بعد شما را می‌خوابانند و با زور دارو را در حلقتان می‌ریزند!

یک حکومت سالم برای دورانی که نزدیک به آغاز انقلاب اسلامی است، یک داروی ضروری است، یک داروی لازم است. جامعه اسلامی حق ندارد بگوید من این دارو را نمی‌خواهم. آن کسی هم که خازن این دارو است و دارو در آستین او است، حق ندارد بگوید خیلی خوب، حالا که دارو نمی‌خواهی، بنده هم قهر می‌کنم؛ دندَت نرم، پس برو بمیر! نه، این نیست.

مگر مسئله‌ای شخصی است؟ سعی می‌کند خودش را به آن حق برساند، سعی می‌کند دارو را به مریض بخوراند. مگر اینکه ببیند اگر چنانچه به این مریض خیلی فشار بیاورد، مریض اصلا خواهد مُرد. بله در اینجا موقّتا دست نگه میدارد تا این مریض از آن حال بدجونی، از آن حال قریب‌الموتی، از آن حال احتضار بیرون بیاید. وقتی که مریض از آن حال بیرون آمد و آماده شد که روی او فعّالیّتی انجام بگیرد و این دارو به او خورانده شود، در ابتدا دارو را رندانه و زیرکانه به او می‌خورانند و اگر نشد، به زور در حلقش می‌ریزند، امامت اینجوری است.

پانوشت‌ها

۱- نهج‌البلاغه، شریف الرضی، خطبه ۴۰، ص۸۲

نیازمندی‌های کیهان
قبول آگهی تلفنی
از ساعت ۸ صبح الی ۶ بعدازظهر
تلفن: ۵-۳۳۱۱۲۲۹۲
فکس: ۳۳۱۱۸۰۵۳
niyaz.mandiha@kayhan.ir

مرکز
۳۳۱۱۹۲۳۶ ۳۳۹۴۲۰۰۰ ۳۳۱۱۲۱۹۳
۳۳۹۱۱۵۶۶ ۳۳۱۱۸۰۵۲ ۳۳۱۱۰۲۱۰
۳۳۱۱۸۰۵۷ ۳۳۱۱۳۵۱۹ ۳۳۱۱۲۲۹۱
۳۳۱۱۰۲۰۲ ۳۳۹۱۱۵۶۸ ۳۳۹۰۲۵۹۹

جنوب
شهرری ۵۵۹۰۰۸۹۷ - ۵۵۹۵۳۶۳۶
سعدی ۳۳۹۶۲۲۳۳ - ۳۳۹۶۲۲۱۱
شرق استان تهران ۳۶۲۵۷۰۷۴
اسلامشهر ۵۶۳۴۴۳۴۳
چهاردانگه ۵۶۳۵۹۵۹۸

شمال
قلهک ۲۲۶۰۳۶۳۵
شمیران ۲۲۷۱۲۹۷۶
مطهری ۸۸۹۰۰۸۶۷ - ۸۸۸۰۱۵۵۲
شهرآرا ۶۶۵۹۲۲۶۶- ۶۶۵۹۳۰۱۰-۱۱

شرق — غرب
آزادی ۶۶۰۰۷۴۷۹ - ۶۶۰۶۴۶۴۷-۹
شهریار ۶۵۲۲۲۹۳۳ - ۰۹۱۲۱۶۲۰۸۴۹
کرج ۰۲۶-۳۲۲۲۶۰۱۳ - ۳۲۲۲۴۴۱۱
تهران نو ۷۷۹۰۹۹۳۹ - ۷۷۹۳۶۸۸۸
دماوند ۷۶۳۲۱۹۳۸

برگ سبز خودرو پژو پارس مدل ۹۰ به شماره انتظامی ۴۵۴ ب ۲۸- ایران ۴۱ به شماره موتور ۱۲۴۹۰۱۶۴۳۳۷ و شماره شاسی ۲۷۶۰۲۳ مفقود از درجه اعتبار ساقط است.

گمشده پیدا شده

اینجانب علی‌اکبر بیابانی مالک کامیون بنز ده‌چرخ به شماره انتظامی ۲۶۲ع۶۹ ایران ۱۲ موتور ۱۰۰۳۵۹۷۶ شاسی ۱۴۹۳۳۹۷۲ به علت فقدان سند کمپانی و برگ سبز و کارت مشخصات خودرو تقاضای رونوشت المثنی نموده است. چنانچه هرکس ادعایی در مورد خودرو مذکور ظرف ۱۵ روز از تاریخ درج آگهی با در دست داشتن مدارک کافی به دفتر فروش شرکت ایران خودرو دیزل واقع در تهران کیلومتر ۸ جاده ساوه مراجعه نماید. بدیهی است پس از انقضای مهلت مزبور طبق ضوابط اقدام خواهد شد. مدت اعتبار این آگهی یکسال است.

برگ سبز ۲۰۶ شاسی ۱۵۷۴۷۲ پلاک ۹۶۶ س ۶۷ ایران ۱۲ به نام مهسا رحمانی مفقود و فاقد اعتبار است.

چون اینجانب مهدی مرادی مالک خودرو پژو پارس مدل ۹۰ به شماره انتظامی ۴۵۴ب۲۸- ایران ۴۱ به شماره موتور ۱۲۴۹۰۱۶۴۳۳۷ و شماره شاسی ۲۷۶۰۲۳ بعلت فقدان اسناد فروش تقاضای رونوشت المثنی نموده است. لذا چنانچه هرکس ادعایی در مورد خودروی مذکور دارد ظرف مدت ۱۰ روز به دفتر حقوقی سازمان فروش ایران خودرو واقع در پیکانشهر ساختمان سمند مراجعه نماید. بدیهی است پس از انقضای مهلت مزبور طبق ضوابط مقرر اقدام قانونی بعمل خواهد آمد.

سند مالکیت خودرو فولکس مدل ۱۳۸۴ رنگ بژ متالیک به شماره شهربانی ۶۹۸ د ۳۳ ایران ۸۸ و شماره موتور UDH۳۴۸۲۹۳ و شماره شاسی IR۸۴۵۲۱۰۰۰۹۳۳ به نام زهرا ملکی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

۳ برگ سند و برگ سبز موتور سیکلت پالس NS۱۵۰ مشکی مدل ۱۳۹۵ به شماره شهربانی ۹۲۳۵۵ ایران ۱۳۳ و شماره شاسی ۹۵۴۷۰۳۹ و شماره موتور ۱۸۱۴۶ مفقود گردیده از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز سواری پراید مدل ۸۷ رنگ سفید شماره موتور ۲۴۶۱۶۱۰ شماره شاسی S۱۴۱۲۲۸۷۷۷۹۷۴ پلاک ۶۴-۲۵۶ ب۲۶ به نام علی بهجت منش اردکانی مفقود و از درجه اعتبار ساقط است.

سند و برگه کمپانی و کارت سوخت موتور هوندا ویو مدل ۸۸ به شماره شهربانی ۸۴۹۵۸ ایران ۱۳۵ به رنگ آبی و شماره تنه NBB۱۲۵۳۰۸۸۰۰۱۷۷ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

سند مالکیت (برگ سبز) سواری پیکان به شماره انتظامی ۸۵۶ق۶۳ ایران ۷۳ مدل ۱۳۸۰ رنگ سفید و موتور ۱۱۱۲۸۰۱۷۴۱۱ شاسی ۸۰۴۱۵۰۸۹ به نام خداداد طهماسبی قورت مفقود و از درجه اعتبار ساقط است.

جناب محمدحسن آخوندزاده فرزند محمدحسین به شماره ملی ۰۰۷۳۸۹۸۴۵۷ احتراما همسر شما خانم خدیجه قاسمی به این دفترخانه مراجعه نموده و با ارائه حکم طلاق به شماره ۹۸۰۹۹۷۰۲۲۳۰۰۲۵۲۷ مورخ ۹۸/۸/۱۹ شعبه ۳۰ تجدیدنظر تهران تقاضای ثبت طلاق را دارد لذا به شما اطلاع داده می‌شود ظرف مهلت یک هفته پس از رویت این اخطاریه در روزنامه کثیرالانتشار جهت انجام طلاق به آدرس شهرری خ ۲۴ متری رازی پلاک ۱۴۶ مراجعه نموده در غیر این صورت طلاق طبق دستور محترم قضایی انجام خواهد شد.

سردفتر طلاق ۱۰۹ تهران

آگهی حصر وراثت

آقای مجید بندعلی به شماره شناسنامه ۱۱۷ مطابق دادخواست تقدیمی به کلاسه پرونده ۲۴/۷/۹۹ این شعبه درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان مرحوم مهدی بندعلی شماره شناسنامه ۵ در تاریخ ۹۹/۱/۲۴ اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته و ورثه حین‌الفوت آن مرحوم منحصر است به: ۱- مجید بندعلی شماره شناسنامه ۱۱۷ تاریخ تولد ۱۳۶۶/۶/۱۳ صادره شمیران پسر متوفی ۲- حسن بندعلی شماره شناسنامه ۱۱ تاریخ تولد ۱۳۵۶/۶/۲۸ صادره شمیران پسر متوفی ۳- زبیده بندعلی شماره شناسنامه ۴ تاریخ تولد ۱۳۴۸/۱/۱ صادره از شمیران دختر متوفی ۴- آمنه بندعلی شماره شناسنامه ۳ تاریخ تولد ۱۳۵۰/۱/۷ صادره از شمیران دختر متوفی ۵- حلیمه کیاشمشکی شماره شناسنامه ۱۸ تاریخ تولد ۱۳۲۴/۴/۱ صادره از شمیران همسر دائمی متوفی و مرحوم ورثه دیگری ندارد اینک با انجام تشریفات مقدماتی، درخواست مزبور را با استناد ماده ۳۶۱ قانون امور حسبی در یک نوبت آگهی می‌نماید تا هر کس اعتراضی دارد و یا وصیتنامه‌ای از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر آگهی ظرف مدت یک ماه به این شعبه تقدیم دارد و الا گواهی مربوط صادر خواهد شد.

شورای حل اختلاف ۷ شمشک

آگهی دعوت سهامداران به تشکیل مجمع عمومی فوق‌العاده

آگهی دعوت سهامداران شرکت مجتمع کشت و صنعت دشت پرامان سهامی خاص ثبت شده به شماره ۱۷۰۴ شناسه ملی ۱۰۶۶۰۰۳۰۶۱۶ جهت تشکیل مجمع عمومی فوق‌العاده بدینوسیله از کلیه سهامداران شرکت دعوت می‌شود تا در جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده که در ساعت: ۱۰ صبح مورخ: ۹۹/۳/۱۷ در آدرس: محل قانونی شرکت تلفن: ۰۹۱۲۲۲۰۱۴۸۰ تشکیل می‌گردد حضور بهم رسانند.

دستور جلسه: ۱- تغییر نام

هیئت مدیره شرکت

آقای سیدحسین حسینی فرزند غلام حیدر، شما از تاریخ نشر این آگهی ۷ روز فرصت دارید برای اجرا صیغه طلاق و ثبت آن در دفتر طلاق ۳ هشتگرد حضور یابید در غیر این صورت طلاق در غیاب شما انجام خواهد شد. آدرس دفتر: هشتگرد خ امام خ نور کوچه رسالت دفتر ازدواج ۵۰ و طلاق ۳ هشتگرد.

سردفتر ازدواج شماره ۵۰ کرج

فقط قالیشویی
تهران نو
درشرق تهران کارخانه دارد
۷۷۴۱۳۶۰۴ ۷۷۴۷۳۶۰۴
۷۷۴۱۰۵۱۵

برگ سبز سواری پژو ۴۰۵ تیپ ۱/۸I مدل ۱۳۸۶ نقره‌ای متالیک به شماره موتور ۱۲۴۸۶۱۹۹۳۱۲ و شماره شاسی ۴۰۳۹۹۵۸۲ به مالکیت بی‌بی فاطمه خدائی مفقود گردیده و فاقد اعتبار می‌باشد.

برگ سبز و سند مالکیت و کارت خودرو سواری پژو ۲۰۶ آریان مدل ۱۳۹۳ به رنگ خاکستری متالیک به شماره موتور ۱۶۳B۰۰۸۳۱۵۹ و شماره شاسی NAAP۴۱FDXE۶۷۵۱۱۲ و شماره پلاک ایران ۵۴-۷۶۴ب۱۵ به مالکیت رسول محمدی فخرآباد مفقود گردیده و فاقد اعتبار می‌باشد.

با حضور در نیازمندیهای روزنامه کیهان دامنه کار خود را گسترش دهید

شرایط و فرم اشتراک نشریات کیهان در تهران

متقاضیان محترم می‌توانند با توجه به جدول زیر نسبت به انتخاب هر یک از نشریات مورد علاقه و واریز مبلغ اشتراک **به شماره کارت ۶۱۰۴۳۳۷۷۴۳۹۷۶۸۴۵** بانک ملت **و یا حساب ۰۱۰۶۷۱۳۵۹۵۰۰۹(سیبا)** بانک ملی شعبه سعدی جنوبی کد ۶۹ به نام حسین شریعتمداری(موسسه کیهان) و ارسال اصل فیش بانکی همراه با فرم تکمیل شده ذیل به **صندوق پستی ۱۱۳۶۵/۳۶۳۱** با پست سفارشی نسبت به برقراری اشتراک خود اقدام نمایند.

نوع نشریه	یکساله (ریال)	شش‌ماهه (ریال)	سه‌ماهه (ریال)
روزنامه کیهان	۷/۲۶۰/۰۰۰	۳/۶۳۰/۰۰۰	۱/۸۱۵/۰۰۰
روزنامه کیهان انگلیسی	۱۳/۲۶۰/۰۰۰	۶/۶۳۰/۰۰۰	۳/۳۱۵/۰۰۰
روزنامه کیهان عربی	۱۳/۲۶۰/۰۰۰	۶/۶۳۰/۰۰۰	۳/۳۱۵/۰۰۰
مجله کیهان ورزشی	۳/۳۳۸/۴۰۰	۱/۶۶۹/۲۰۰	۸۳۴/۶۰۰
مجله زن روز	۳/۳۳۸/۴۰۰	۱/۶۶۹/۲۰۰	۸۳۴/۶۰۰
مجله کیهان بچه‌ها	۱/۶۷۰/۰۰۰	۸۳۵/۰۰۰	۴۲۰/۰۰۰
مجله کیهان فرهنگی	۴۱۷/۰۰۰	--------	--------

توجه

۱- اشتراک عزیزانی که فرم درخواست آنها تا دهم هر ماه به امور مشترکین برسد از اول ماه بعد برقرار می‌شود.
۲- یک نسخه از کپی فیش بانکی و قبض سفارشی را تا پایان مدت اشتراک حتما نزد خود نگهداری نمائید.
۳- در صورت تغییر قیمت نشریات و یا هزینه پستی، معادل مبلغ پرداخت شده، نشریه مورد تقاضا ارسال می‌گردد.
۴- در صورت تمایل به اشتراک چند نشریه، برای هر کدام فیش بانکی جداگانه تهیه فرمائید.
۵- قبض پرداختی را می‌توانید به شماره **۰۹۱۲۷۹۳۲۵۶۸** با ذکر مشخصات در **کانال تلگرام** قرار داده و به امور مشترکین اطلاع دهید.

فرم تقاضا

نام: ..... نام خانوادگی: ..... نوع نشریه: ..... تعداد نسخه: ..... مدت: ..... ماه
مبلغ پرداختی: ..... ریال شماره فیش بانکی: ..... تلفن: ..... تلفن همراه: .....
آدرس: .....
کد پستی: ..... پست الکترونیکی: .....
شماره اشتراک: .....

تلفن: ۳۵۲۰۲۲۷۸ - ۰۲۱ نمابر: ۳۳۹۰۲۴۴۴ - ۰۲۱ امور مشترکین موسسه کیهان